

اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

محسن امیری^۱، محمدرضا ویژه^{۲*}

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۹/۱۹

دریافت: ۹۳/۲/۲۴

چکیده

یکی از سازوکارهای مهم تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون، استقلال قضایی در معنای آزادی قاضی از هرگونه اعمال نفوذ و مداخله قوای سیاسی و اصحاب دعوا است. تحقق استقلال قضایی، از یک سو مستلزم تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه و از سوی دیگر ایجاد سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضات است. در مقاله حاضر به تبیین و بررسی مفهوم استقلال قضایی و نیز نحوه تضمین این اصل در حقوق ایران و فرانسه پرداخته ایم. مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد نظام حقوقی ایران، استقلال ساختاری قوه قضاییه را به نحو مطمئن‌تری در مقایسه با حقوق فرانسه مورد تضمین قرار داده است، اما در تضمین استقلال فردی قضات کاستی‌هایی دارد.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی، استقلال ساختاری، استقلال فردی، قضات، قوه قضاییه



۱. مقدمه

مسأله استقلال قضایی از مسائل بنیادین حقوق عمومی است؛ زیرا اعتماد عمومی^۱ به حکومت، تحقق حکومت قانون^۲ و دادرسی عادلانه^۳، در هر جامعه تا حدود بسیار زیادی به میزان استقلال قضایی^۴ وابسته است. نهادینه شدن جریان مردمی و حکومت مردم‌سالار^۵، به تثبیت و اشاعه فرهنگ حاکمیت قانون و قانونگرایی ارتباط تام دارد و از سوی دیگر، در جهت تثبیت فرایند فرهنگ قانونگرایی، استقلال قضایی از پیش‌فرض‌های مهم این امر به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، حکومت مردم‌سالار با مفهوم استقلال قضایی و توانایی دادگاه‌ها در جلوگیری از سوء استفاده از نفس قدرت و نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم پیوندی ناگسستنی دارد [۱، ص ۳۹].

به لحاظ اهمیت موضوع استقلال قضایی، این اصل در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و سازوکارهایی جهت تضمین آن ایجاد شده است.

تحقق استقلال قضایی در هر کشور نیازمند وجود شرایطی است. شرایط لازم برای تحقق استقلال قضایی را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. اولین شرط لازم جهت تحقق استقلال قضایی، وجود ساختاری مستقل برای قوه قضاییه و دومین شرط لازم، وجود سازوکارهایی جهت تضمین استقلال فردی قضات است. در این مقاله تلاش گردیده است تا شرایط تضمین استقلال قضایی در ایران از هر دو جنبه مذکور با نگاهی تطبیقی در حقوق فرانسه مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهیم:

۱. public confidence

۲. rule of law

۳. fair trial

۴. judicial independence

۵. democratization

مفهوم استقلال قضایی چیست؟ اصول بنیادین تضمین استقلال قضایی چیست؟ نقاط ضعف و قوت نظام حقوقی ایران در مقایسه با حقوق فرانسه در خصوص شرایط تضمین استقلال قضایی چیست؟

در تحقیق حاضر درخواهیم یافت که بسیاری از مشکلات حقوق ایران در خصوص موضوع استقلال قضایی، ناشی از عدم شناخت و آگاهی کافی از سازوکارهای تضمین این اصل است. ریشه این امر در این است که استقلال قضایی مفهومی مدرن تلقی می‌شود که از حقوق کشورهای خارجی «وارد» حقوق ایران شده است. بنابراین، هرگونه گره‌گشایی از مشکلات عملی در این خصوص، منوط به شناخت نظری صحیح مفهوم استقلال قضایی و سازوکارهای تضمین آن در حقوق عصر حاضر است. در این مورد، مطالعه تطبیقی در حقوق کشور فرانسه می‌تواند برای ما راهگشا باشد.

۲. مفهوم استقلال قضایی

در حقوق عصر حاضر، تعریف یکسانی از استقلال قضایی در متون قانون اساسی وجود ندارد. متون قانون اساسی، بدون آن‌که تعریفی از استقلال قضایی ارائه دهند، بر لزوم رعایت استقلال قضایی تأکید کرده‌اند.

در بین صاحب‌نظران نیز در مورد تعریف استقلال قضایی اتفاق نظر وجود ندارد. لارکینز از نویسندگان آمریکایی، استقلال قضایی را به مفهوم حل اختلاف به وسیله شخص سوم بی‌طرف می‌داند. به عبارت دیگر، حل اختلاف به وسیله کسی که می‌تواند برای حل اختلافات بر مبنای ملاحظه صرف واقعیت‌ها و ارتباط آن با قوانین مربوطه، قابل اتکا و اعتنا باشد [۱، ص ۳۹]. یکی از نویسندگان ایرانی، استقلال قضایی را به معنای عدم جواز دخالت و تأثیرگذاری از جانب دیگران بر قوه قضاییه در معنای عام و قضات در معنای خاص در صدور احکام و قرارهای قضایی و آزادی امر قضا از هرگونه مداخله، فشار و گردن نهادن همه به احکام صادر شده می‌داند [۲، ص ۲۵].

در میان نهادهای منطقه‌ای متصدی صیانت از حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر

شرایطی را در مورد نحوه تحقق استقلال قضایی مقرر می‌دارد. طبق نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، به منظور تعیین استقلال یک مرجع قضایی باید از جمله جوانب ذیل در نظر گرفته شود:

طریق انتصاب اعضای آن و طول خدمت آنان، وجود تضمیناتی در مقابل فشارهای خارجی و این سؤال که آیا هیأت مزبور ظاهراً مستقل به نظر می‌رسد یا خیر [۳، ص ۱۸۹]. در میان اسناد بین‌المللی، اصول بنیادین استقلال قضاییه مصوب ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تعریف نسبتاً جامعی از استقلال قضایی ارائه می‌دهد. اصل دوم این قطعنامه در خصوص استقلال قضایی مقرر می‌دارد: «قضات باید بتوانند براساس واقعیات و مطابق قوانین و بدون هرگونه محدودیت، اعمال نفوذ نابجا، تلقین، فشار، تهدید یا مداخله مستقیم یا غیرمستقیم از هر مرجع یا هر دلیل دیگر، در مورد موضوعات مطروح اتخاذ تصمیم کنند».

بنابراین هر چیزی یا کسی به غیر از موازین حقوقی و تشخیص قاضی در تصمیمات وی خلل وارد کند، استقلال قضایی را نقض و در نتیجه اجرای عدالت در رسیدگی دادگاه، صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان و تحقق حکومت قانون که اهداف استقلال قضایی است، محقق نمی‌گردد.

استقلال قضایی در اکثر متون حقوقی در کنار اصل بی‌طرفی قاضی به کار برده شده است. دو واژه استقلال^۱ و بی‌طرفی^۲ در اصول مربوط به دادرسی عادلانه اغلب در کنار هم به کار برده شده‌اند [۴، ص ۲۷۳]. با این‌که در نظر اول این دو مفهوم یکسان به نظر می‌رسند، اما بی‌طرفی ناظر بر عدم وجود پیش‌فرض ذهنی توسط قاضی است و استقلال ناظر بر عدم دخالت قوای حکومتی و یا غیر حکومتی در کار قضات قوه قضاییه است.

لازمه تحقق استقلال قضایی، وجود ساختاری مستقل برای قوه قضاییه و نیز وجود سازوکارهایی جهت تضمین استقلال فردی قضات است. بنابراین استقلال قضایی واجد

۱. independence

۲. impartiality

دو جنبه است: استقلال ساختاری قوه قضاییه و استقلال فردی قضات.

۱-۲. استقلال ساختاری قوه قضاییه^۱

نخستین سازوکار تضمین استقلال قضایی، تضمین استقلال ساختاری نهاد قضایی است. قاعده‌تاً ساختار دستگاه قضایی باید به نحوی پیش‌بینی شده باشد که ضامن استقلال قضات دادگاه‌ها در برابر دخالت و نفوذ ناروای قوه مجریه و مقننه و مقامات عالی قوه قضاییه باشد. استقلال ساختاری دستگاه قضایی از دو جنبه استقلال درون‌سازمانی و استقلال برون‌سازمانی قابل بررسی است. منظور از استقلال درون‌سازمانی، نفی سلسله‌مراتب اداری در درون قوه قضاییه و منظور از استقلال برون‌سازمانی، استقلال و تفکیک کارکرد دستگاه قضایی در برابر سایر قوای حکومتی است که با رعایت اصل تفکیک قوا محقق می‌گردد [۵، ص ۵۷].

استقلال نهاد قضایی به خودی خود واجد ارزش نیست، بلکه در جهت استقلال شخص قاضی است که می‌گوییم ساختار دستگاه قضایی باید مستقل باشد [۶، ص ۳]. البته استقلال مطلق دستگاه قضایی مطلوب نیست، زیرا عدم پیش‌بینی سازوکارهای پاسخگویی قوه قضاییه و نظارت بر آن، خطر عملکرد غیرمسئولانه قوه قضاییه را بالا می‌برد.

۲-۲. استقلال فردی قضات و سازوکارهای تضمین آن

استقلال فردی قاضی که به‌عنوان استقلال در تصمیم‌گیری نیز شناخته می‌شود، بدان معنا است که شخص قاضی، مستقل تصمیم بگیرد. از یک قاضی هنگامی انتظار اجرای درست عدالت و امید به موفقیت در انجام محاکمات عادلانه می‌رود که در اعمال صلاحیتش استقلال و آزادی عمل داشته باشد [۷، ص ۶۷۱] و وقایع و ادله مربوط به هر پرونده به دور از نفوذ و مداخله خارجی و بدون هیچ محدودیت یا ممنوعیتی به طور

۱. structural independence



منصفانه و تنها بر پایه موازن حقوقی رسیدگی و ارزیابی گردد. برای آن که قضات از استقلال و آزادی عمل این‌چنینی برخوردار باشند باید از تضمینات لازم برای مصون ماندن از مداخله ناروا برخوردار باشند. لازمه تحقق استقلال فردی قضات وجود شرایطی است که قانونگذار برای قضات در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین این شرایط را با توجه به قطعنامه اصول بنیادین استقلال قوه قضاییه می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

۲-۲-۱. مصونیت شغلی قاضی

مهم‌ترین مبنای تضمین استقلال فردی قضات، تضمین مصونیت شغلی دادرسان محاکم است. مصونیت شغلی و یا امنیت شغلی قاضی به این مفهوم است که به سبب اتخاذ تصمیمات قضایی نتوانند در معرض تهدیدات شغلی قرار گیرند؛ چه در غیر این صورت قاضی همواره از نتیجه تصمیم خود و این‌که ممکن است به از دست دادن شغل و یا تغییر وضعیت شغلی (مانند تغییر محل خدمت یا سمت) منجر شود، نگران خواهد بود [۸]، ص ۲۶]. این امر به طور جهانی پذیرفته شده است که هنگامی که قضات بتوانند به‌سادگی و یا دلبخواهانه عزل شوند و یا تغییر در وضعیت شغلی آن‌ها ایجاد شود، آسیب‌پذیری بیش‌تری در قبال فشارهای داخلی و یا خارجی خواهند داشت و نمی‌توانند به نحو مستقل به دادرسی بپردازند [۹، ص ۱۷].

برکناری مقامات قضایی نباید به‌آسانی صورت گیرد، بلکه ایشان باید در این صورت از تضمینات راجع به استماع منصفانه شامل حق برخورداری از وکیل و تجدیدنظر مستقل از تصمیمات انتظامی برخوردار باشند.

مسأله ارتقا و نقل و انتقال نیز می‌تواند به‌عنوان حربه‌ای علیه قضات به کار برده شود. به همین خاطر ارتقا و نقل و انتقال مقامات قضایی باید براساس معیارهای عینی به‌ویژه توان، درستکاری و تجربه و با رضایت قاضی صورت پذیرد.

۲-۲-۲. مصونیت مدنی قاضی

یکی از مهم‌ترین شرایط تضمین استقلال فردی قضایی، اعطای مصونیت مدنی به قضات است. با توجه به حساسیت منصب قضاوت و پیچیدگی‌های آن و به منظور حفظ استقلال قضایی، قضات باید از مصونیت بهرمند گردند. قضات باید در برابر اقامه دعوای حقوقی برای خسارات فعلی یا ترک فعل‌های نادرست در اجرای وظایف قضایی‌شان از مصونیت فردی بهرمند باشند. دولت نیز مسؤول جبران خسارت اصحاب دعوا باشد.

۳-۲-۲. روش شایسته انتخاب قاضی

وجود قضات متعهد و واجد شرایط، امری اساسی برای استقلال قضایی است. چگونگی گزینش قاضی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر استقلال قضایی است. روشی که به وسیله آن قضات انتخاب و یا انتصاب می‌شوند موضوعی کلیدی برای بهبود وضعیت استقلال قضایی است. قضاتی که واجد شرایط نباشند، شأن، منزلت و استقلال دستگاه قضایی را تنزل می‌دهند و آسیب‌پذیری بیشتری از تأثیرات خارجی دارند.

انتخاب یا انتصاب قاضی باید مبتنی بر ضوابط عینی باشد و توسط نهادی مستقل و بدون طرفداری سیاسی صورت گیرد. بنابراین فرایند انتخاب یا انتصاب باید منصفانه و بی‌طرفانه باشد. به عبارت دیگر هرچه شیوه گزینش و انتخاب قاضی بیش‌تر بر شایستگی و قابلیت‌های فردی و معیارهای عینی و سنجش‌پذیر استوار باشد، می‌توان در عمل قضاتی با استقلال رأی و اعتماد به نفس در نظام قضایی مشاهده کرد. به‌عکس چنانچه استخدام و گزینش قضات بر معیارهای نامتعارف، مبهم و روابط ناسالم و سیاسی و نه بر پایه توانایی‌های علمی و تجربی استوار باشد، دایره استقلال به نفع توصیه‌پذیری و پیروی از مقام‌های بالادست محدود خواهد شد [۱۰، ص ۱].

۴-۲-۲. نظارت بر رفتار حرفه‌ای قاضی

استقلال فردی قضات ایجاب می‌کند که قضات از حیث رفتاری کنترل شوند تا از هیچ مانع



و رادع و مؤآخذهای بیم نداشته باشند و مصون از هرگونه اعمال نفوذ و قدرت غیرقانونی باشند. بنابراین باید محدودیت‌هایی بر رفتارهای اداری و غیراداری قاضی در نظر گرفته شود تا استقلال فردی، به نحو مطمئن‌تر تضمین شود.

این محدودیت‌ها به این معنا نیست که آن‌ها از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم شوند. همچنین قضات باید بتوانند آزادانه به انجمن‌های صنفی یا هر سازمان دیگری که در ارتباط با حمایت از منافع شغلی یا آموزش حرفه‌ای آن‌ها است، بپیوندند.

۲-۲-۵. امنیت مالی قاضی

امنیت مالی و دادن حقوق مکفی به قضات از سازوکارهای مهم تضمین استقلال قاضی است. دولت باید منابع کافی را جهت انجام وظایف قوه قضاییه فراهم کرده، حقوق و دستمزدی کافی برای قضات در نظر گیرد. وابستگی مالی و کمبود بودجه قوه قضاییه می‌تواند بر استقلال قاضی تأثیر بگذارد. قوه قضاییه‌ای که دارای منابع کافی نباشد، نمی‌تواند حقوق و منابع مورد نیاز را که برای جذب و نگهداشتن قضات واجد صلاحیت لازم است داشته باشد و در برخی موارد احتمالاً دچار فساد مالی، طرفداری سیاسی و جناحی می‌شود [۱۱، ص ۱۸].

۳. بررسی صیانت از اصل استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران

موضوع صیانت از اصل استقلال قضایی ریشه در تاریخ حقوق ایران ندارد؛ لکن از زمان نهضت مشروطه با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته است. از حیث تضمین استقلال فردی قضات، قانون اساسی مشروطه با اقتباس از قانون اساسی بلژیک، در اصل ۸۱ متمم قانون اساسی مقرر داشت که هیچ حاکم محکمه عدلیه را به طور موقت یا دائم بدون محاکمه و اثبات تقصیر نمی‌توان شغلش را تغییر داد، مگر این‌که خودش استعفا کند و بنا بر اصل ۸۲ تبدیل مأموریت حکام عدلیه امکان نداشت مگر به رضای او. قانون اساسی مشروطه با اعطای مصونیت شغلی درصدد حمایت از

قضات و ارتقای استقلال آن‌ها بود؛ اما قانونگذار عادی در شهریورماه سال ۱۳۳۵، قانونی به نام قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳ تصویب کرد که تضمینات قانونگذار اساسی را در مورد شغل قضایی از بین برد. بر پایه ماده چهارم این قانون تبدیل محل مأموریت حکام محاکم با رعایت اصل ۸۲ متمم قانون اساسی به وزیر دادگستری محول شد. وزیر دادگستری نیز از این اختیار استفاده ابزاری کرد و نسبت به انحلال و تغییر محل خدمت قضات اقدام کرد.

در مورد استقلال ساختاری قوه قضاییه، قانون اساسی مشروطه با پذیرش اصل تفکیک قوا و اعطای قدرت قضایی به محاکم عدلیه در پی صیانت از استقلال ساختاری قوه قضاییه بود، اما عملاً وزیر دادگستری به عنوان مقامی سیاسی، مدیریت قوه قضاییه را بر عهده داشت که در منافات با استقلال قضایی محسوب می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نویسندگان قانون اساسی با درک جایگاه استقلال قضایی و با عنایت به تجربه تلخ دوران مشروطه، در پی تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه و استقلال فردی قضات برآمدند.

۳-۱. استقلال ساختاری قوه قضاییه ایران

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکایت از دغدغه قانونگذار ایرانی درخصوص استقلال ساختاری قوه قضاییه دارد. قانونگذار اساسی، نگاهی ویژه به استقلال ساختاری قوه قضاییه داشته و استقلال دستگاه قضایی را در حد اعلای آن مورد تضمین قرار داده است. به جرأت می‌توان مدعی بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله قوانین اساسی پیشرو در زمینه تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه است [۱۲، ص ۴۳]. باید توجه داشت زمینه‌های تاریخی برای این نگاه ویژه به استقلال ساختاری وجود دارد؛ زیرا در زمان مشروطه، اگرچه مطابق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مشروطه اصل تفکیک قوا پذیرفته شده بود، اما عملاً قوه قضاییه تحت نفوذ



قوه مجریه در آمده بود. امور قضایی در دوره مشروطه، توسط وزیر دادگستری منصوب پادشاه و با اقتدارات وسیعی در امور اداری، استخدامی و شغلی قاضی^۱ اداره می شد. بدین ترتیب قوه مجریه در اداره دادگستری دخالت می کرد، آنچه نمی توان آن را با اصل استقلال قضایی جمع کرد. جهت خروج از این وضعیت قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی در اصول متعدد با ذکر نام از «قوه قضاییه» به تضمین استقلال ساختاری آن پرداخته و دادگستری مانند زمان مشروطه در حاشیه قرار ندارد و یک قوه برابر، در کنار قوه مجریه و مقننه است.

۱-۳. تضمینات استقلال ساختاری قوه قضاییه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی سختگیرانه، استقلال ساختاری قوه قضاییه را در چند اصل مورد تضمین قرار داده است.

موارد تضمین قانونی استقلال ساختاری را در اصول و موارد زیر می توان مشاهده کرد:
اصل ۵۷ و ۶۱ قانون اساسی با شناسایی اصل تفکیک قوا، سنگ بنای تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه را گذاشته است. اگرچه سیستم تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران نوعی تفکیک نرم و نسبی است و قوه مقننه و مجریه از ابزارهای تأثیرگذاری و نظارت بر یکدیگر برخوردارند، اما در مورد قوه قضاییه این سیستم، نوعی تفکیک سخت است و قوه قضاییه نه در برابر مجلس شورای اسلامی و نه در برابر قوه مجریه پاسخگو نیست. قوه مجریه و مقننه مطابق اصل تفکیک قوا، نه تنها از دخالت در امر قضایی منع شده اند، بلکه فاقد ابزارهای مؤثر نظارت بر قوه قضاییه هستند.^۲

قانونگذار اساسی بار دیگر در اصل یکصد و پنجاه و ششم با استعمال صریح لفظ «مستقل» در مورد قوه قضاییه تأکید می کند که «قوه قضاییه قوه ای است مستقل که

۱. بنگرید به: قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۲۹ و اصلاحات بعدی آن.

۲. از چالش های کنونی نظام حقوقی ایران، برداشت نادرستی است که از استقلال ساختاری قوه قضاییه و تفکیک قوا وجود دارد. باید توجه داشت استقلال قضایی هیچگاه به معنای عدم پاسخگویی و نظارت ناپذیری قوه قضاییه نیست.

پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است...».

امور اداری و استخدامی قوه قضاییه مطابق اصل ۱۵۸ قانون اساسی، بر عهده رئیس قوه قضاییه منصوب مقام رهبری است و وزیر دادگستری برخلاف دوره مشروطه که به عنوان عضو قوه مجریه در صدر قوه قضاییه و دارای اقتدارات زیادی بر امور قضایی و اداری و تشکیلاتی بود، بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای نقش بسیار محدودی است و اختیارات وی در دو امر روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه و نیز اختیارات مالی و اداری و استخدامی غیرقضات که رئیس قوه قضاییه به وی تفویض می‌کند، خلاصه شده است [۱۳، ص ۳۵۸].

۳-۲. تأثیر تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه بر استقلال قاضی

نگاه سختگیرانه قانونگذار اساسی ایران درخصوص استقلال برون‌سازمانی دستگاه قضایی، بدون شک کمک شایانی به قضات قوه قضاییه می‌کند که بدون تأثیرپذیری از جانب قوای مقننه و مجریه به دادرسی بپردازند. اما علیرغم توجه خاص قانونگذار اساسی به استقلال برون‌سازمانی قوه قضاییه، موردی نیز وجود دارد که استقلال ساختاری درون‌سازمانی قوه قضاییه را با تهدیداتی مواجه ساخته است و می‌تواند بر استقلال قاضی تأثیر نامطلوب داشته باشد. وجود رئیس قوه قضاییه که یک مقام سیاسی انتصابی است و اختیارات وسیع این مقام در امور اداری، استخدامی، انتظامی و شغلی قضات و همچنین صلاحیت هنجارسازی وی در قالب بخشنامه‌های قضایی می‌تواند به نحو غیرمستقیم، ناقض استقلال شخص قاضی در عمل قضایی باشد. تنها شاید شرایط شایستگی که قانون اساسی برای رئیس قوه قضاییه در نظر گرفته است (همچون فقاقت، عدالت، مدیریت و تدبیر)^۱ بتواند این ایراد را رفع کند. در واقع باید گفت قوه قضاییه ایران از استقلال برون‌سازمانی بالایی برخوردار است، اما دارای استقلال درون‌سازمانی متزلزلی است.

۱. بنگرید به: اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.



به نظر می‌رسد استقلال درون‌سازمانی قوه قضاییه ایران قبل از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به نحو مطمئن‌تری تضمین می‌شد. قبل از بازنگری قانون اساسی، امور اداری و استخدامی قضات در اختیار شورای عالی قضایی بود. پیش‌بینی شورای عالی قضایی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ قانونگذاری ایران در راستای استقلال قضایی دانست. متأسفانه شورای عالی قضایی که به نظر می‌رسد با اقتباس از حقوق فرانسه جهت ارتقای استقلال قضایی پیش‌بینی شده بود، در اصلاحات سال ۱۳۶۸ حذف شد.

۳-۲. سازوکارهای تضمین استقلال فردی قاضی در ایران

بررسی وضعیت سازوکارهای تضمین استقلال فردی قضات در ایران بیانگر آن است که این سازوکارها به نحو دقیق و شایسته مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و این در حالی است که این سازوکارها نقش مهم‌تری در تضمین استقلال قضایی دارند.

۳-۲-۱. مصونیت شغلی قاضی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی متن پیش‌نویس قانون اساسی که محصول مشارکت اندیشمندان زمان خود بود، با درک درست از جایگاه قاضی مستقل در صدد تضمین مصونیت شغلی قضات برآمد [۱۴، ص ۲۲۹]. اصل ۱۶۴ دو تضمین مهم را برای شغل قضات به تبعیت از کشور فرانسه به وجود آورده است. اولین تضمین، غیرقابل عزل بودن قضات است. قسمت اول اصل ۱۶۴ مقرر می‌دارد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم و یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد...».

مطابق نظریه تفسیری شماره ۴۴۸ مورخ ۱۳۶۹/۴/۲۳ شورای نگهبان، رئیس قوه قضاییه نیز حق عزل قاضی را ندارد و عزل وی تنها در اختیار دادگاه انتظامی قضات و دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات است [۱۵، ص ۱۹۰].

دومین تضمین که در اصل ۱۶۴ پیش‌بینی شده مربوط به منع تغییر سمت و منع تغییر محل خدمت قاضی است. اصل ۱۶۴ در این زمینه مقرر می‌دارد «...بدون رضای او (قاضی) نمی‌توان محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل». البته این تضمین در حال حاضر، با توجه به اختیار وسیع رئیس قوه قضاییه در این خصوص فاقد اثر شده است؛ زیرا مفهوم اقتضای مصلحت جامعه، آن‌چنان وسیع است که با کم‌ترین ارتباط موضوعی، رئیس قوه قضاییه قادر خواهد بود که به بهانه اقتضای مصلحت جامعه، محل خدمت و سمت قاضی را تغییر دهد [۱۶، ص ۱۰۳]. در واقع یکی از چالش‌های تضمین مصونیت شغلی قاضی، نگارش متزلزل و مبهم این اصل است که کارایی و اثربخشی آن را کمرنگ کرده است. از سوی دیگر، عدم شفافیت ضوابط نقل و انتقال قضات در قانون نقل و انتقال دوره‌ای قضات (مصوب ۱۳۷۵) و عدم شفافیت ضوابط ارتقای قضات، و عدم شفافیت مقررات انتظامی دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات^۱ از دیگر چالش‌های مهم نظام حقوقی ایران در تضمین مصونیت شغلی دادرسان است.

۲-۲-۳. مصونیت مدنی قاضی

در ایران، همانند بسیاری از کشورهای دارای حقوق نوشته، قضات دارای مصونیت مدنی مطلق نیستند و در برابر افعال تقصیرآمیز خویش در رسیدگی قضایی به دعاوی، که منجر به خسارت اصحاب دعوا شوند، مسئولند [۱۷، ص ۱۳۵]. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مصونیت مشروط را برای قاضی در نظر گرفته است. در این اصل خطاهای دادرس به دو

۱. مطابق ماده ۴۴ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۷ چنانچه صلاحیت قاضی از ناحیه مقامات عالی قضایی مذکور در این ماده مورد تردید واقع شود پس از احراز عدم صلاحیت قاضی توسط دادگاه عالی قابل عزل است. مفهوم «تردید در صلاحیت» بسیار کلی و غیر شفاف است؛ در صورتی که تخلفات انتظامی باید به صورت شفاف مشخص گردد.



گروه تقسیم می‌شود. پیامدهای ناشی از اشتباه قاضی به عهده دولت است و خسارت‌های ناشی از تقصیر قاضی را خود او تحمل می‌کند [۱۸، ص ۴۴]. در این اصل، قاعده مصونیت مدنی قاضی در برابر اعمال قضایی به‌عنوان اصل پذیرفته شده و تنها خسارات ناشی از تقصیر قاضی از این قاعده استثنا دارد. مسئول دانستن دولت در موارد اشتباه قاضی، گامی مثبت در جهت ارتقای استقلال قاضی و حفظ حقوق قضاوت‌شوندگان بوده است، اما قانونگذار اساسی با مسئول دانستن قاضی در صورت تقصیر، وی را در معرض مسئولیت مادی مهمی قرار داده که استقلال وی را با تهدید مواجه می‌سازد. ابهام مفهوم «تقصیر» در اصل ۱۷۱ نیز بر بار مسئولیت مدنی قضات افزوده است. این ابهام را می‌توان در اختلاف نظر حقوقدانان درخصوص مفهوم تقصیر نیز مشاهده کرد. برخی از حقوقدانان تقصیر مذکور در اصل ۱۷۱ را مترادف تقصیر عمد دانسته‌اند که در این صورت اشتباه مذکور در اصل ۱۷۱ به معنای عملی می‌شود که به طور غیرعمدی انجام می‌گیرد [۱۹، ص ۱۲۸]. اما برخی دیگر تقصیر در اصل ۱۷۱ را اعم از عمد و شبه‌عمد دانسته‌اند [۲۰، ص ۱۹۸].

استقلال قاضی و پیچیدگی‌های کار قضاوت ایجاب می‌کند که شرایط و مسئولیت طرح دعوا علیه او با قواعد عام مسئولیت تفاوت‌هایی داشته باشد. با مطالعه مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی درمی‌یابیم که خبرگان قانون اساسی صرفاً به دنبال حمایت از حقوق قضاوت‌شوندگان و جبران خسارت ایشان بودند [۲۱، ص ۸۷]. اما این شیوه قانونگذاری نمی‌تواند به هدف خود نائل شود؛ زیرا در فرض ثبوت تقصیر و صدور حکم محکومیت قاضی، وی فاقد توانایی مالی برای جبران خسارت است.

۳-۲-۳. روش انتخاب قاضی در ایران و تأثیر آن بر استقلال قضایی

نظام حقوقی ایران درخصوص شیوه انتخاب قاضی از نظام شغلی پیروی کرده است. در این شیوه قضات همانند سایر کارمندان بخش عمومی از طریق امتحان علمی از بین فارغ‌التحصیلان رشته حقوق انتخاب می‌شوند؛ در صورتی که پیروی از روش انتخاب

قاضی کشورهای دارای نظام حقوق عرفی می‌توانست قضات شایسته‌تر و مستقل‌تری را وارد دستگاه قضایی کند، زیرا قضات در این کشورها از بین حقوقدانان دارای تجربه حقوقی انتخاب می‌گردند.

اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام قضات را از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه دانسته است. پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ رئیس قوه قضاییه تنها فردی است که مطابق اصل ۱۵۸ و اصل ۱۶۲ قانون اساسی در مورد استخدام و انتخاب قاضی وفق ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ تصمیم می‌گیرد. انتصاب قضات توسط یک مقام سیاسی می‌تواند جانبداری و طرفداری سیاسی را موجب شود و بی‌طرفی در انتخاب قاضی را تنزل دهد. این در حالی است که وجود شورای عالی قضایی می‌توانست اطمینان بیش‌تری در حفظ بی‌طرفی در انتخاب قاضی ایجاد کند.

۳-۲-۴. نظارت بر رفتار حرفه‌ای قاضی در ایران

در خصوص رفتار حرفه‌ای قضات، مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قضات از انجام مشاغل اداری و سیاسی مذکور در این اصل منع شده‌اند. همچنین به موجب لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات، دارندگان مشاغل قضایی از انجام هرگونه فعالیت سیاسی و حزبی منع شده‌اند. محدودیت‌های دیگری نیز در قانون نظارت بر رفتار قضات پیش‌بینی شده است که قضات را از فعالیت تجاری و رفتار خلاف شأن قضایی منع می‌کند. اما در مجموع این محدودیت‌ها از محدودیت‌هایی که در نظام حقوقی فرانسه برای قضات در نظر گرفته شده، کمتر است.

۳-۲-۵. امنیت مالی قاضی در ایران

در نظام حقوقی ایران برخلاف کشورهای هم‌چون ایالات متحده آمریکا و انگلیس،



مقرره‌ای قانونی که از قضات حمایت مالی به عمل آورده باشد، وجود ندارد. بودجه‌ریزی قوه قضاییه توسط قوه مجریه از چالش‌های دیگر نظام حقوقی ایران در تضمین امنیت مالی دادرسان محاکم است.

۴. بررسی صیانت از اصل استقلال قضایی در حقوق فرانسه

مانند بسیاری از کشورها، مقرراتی که از استقلال قضایی در فرانسه حمایت می‌کنند، منشأ قانون اساسی دارند؛ اما در نهادهای مندرج در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، قوه قضاییه مستقل و برابر با قوه مجریه و مقننه مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. این قانون صرفاً به مقام قضایی اشاره می‌کند که رئیس جمهور با همکاری شورای قضایی ضامن استقلال وی است. با این حال فقدان هنجار قانونی در خصوص تضمین استقلال قوه قضاییه، مانع تضمین استقلال مقام قضایی نبوده است. این تضمینات را می‌توان در اصل ۶۴ و ۶۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه مشاهده کرد.

۴-۱. استقلال ساختاری قوه قضاییه فرانسه

در فرانسه، استقلال ساختاری برون‌سازمانی قوه قضاییه، به گونه‌ای که در ایران مورد تأکید و تضمین قانونگذار واقع شده است، وجود ندارد. استقلال ساختاری «قوه قضاییه» به دلایل تاریخی و سیاسی که ریشه در تاریخ پیش و پس از انقلاب کبیر فرانسه دارد، هیچ‌گاه مورد توجه قانونگذار فرانسوی نبوده است. در واقع برای مدت طولانی در نتیجه برداشتی که از اصل تفکیک قوا و تجارب تلخ مربوط به عملکرد دادگاه‌های پیش از انقلاب وجود داشته است، قوه مجریه و مقننه دارای حقانیت دموکراتیک بوده، به‌عنوان یک «قوه» شناخته می‌شوند؛ اما دادگستری از آن‌جا که فاقد این وصف است صرفاً به‌عنوان یک «مقام» بوده، نقشش فقط اعمال قانون مصوب پارلمان است [۲۲، ص ۲۸۵]. بر همین مبنا

نظام حقوقی فرانسه نگاه خود را معطوف به تضمین استقلال فردی «مقام قضایی»^۱ و به عبارتی استقلال فردی قاضی^۲ کرده است. قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه در عنوان پنجم خود صرفاً از تضمین استقلال «مقام قضایی» سخن گفته است. در این قانون زکری از «قوه قضاییه»^۳ و لزوم تضمین استقلال ساختاری نشده است. در واقع، فرانسه از الگوی مدیریت اجرایی قوه قضاییه تبعیت کرده است. وزیر دادگستری به عنوان عضوی از قوه مجریه، مدیریت اداری خدمت عمومی دادگستری را بر عهده دارد. با این که استقلال برون‌سازمانی دستگاه قضایی آن‌چنان مورد توجه قانونگذاری فرانسوی نبوده و مدیریت امور اداری نهاد قضایی به وزیر دادگستری که عضوی از قوه مجریه است محول شده، اما استقلال ساختاری درون‌سازمانی دستگاه قضایی از طریق پیش‌بینی شورای عالی قضایی^۴ بسیار ارتقا یافته است. شورای قضایی مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی فرانسه تشکیل گردیده است. مطابق این اصل، رئیس جمهور به‌عنوان رئیس کشور با همکاری شورای قضایی ضامن استقلال مقام قضایی است.^۵ اعضای این شورا که متشکل از اعضای منصوب شده از سوی مقامات سیاسی و اعضای منتخب قضاتند، به‌عنوان نهادی مستقل، اداره و رسیدگی به امور شغلی، استخدامی و انتظامی قضات را بر عهده دارد. استقلال این نهاد از آن جهت قابل توجیه است که قضات و افراد غیرحکومتی اکثریت اعضای این شورا را تشکیل می‌دهند.^۶

۱. de l'autorité judiciaire

۲. de l'indépendance de la magistrature

۳. pouvoir judiciaire

۴. conseil supérieur de la magistrature

۵. Le Président de la République est garant de l'indépendance de l'autorité judiciaire.

۶. مطابق آخرین اصلاحات قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۸ اعضای شورای عالی قضایی مرکب از رئیس دیوان عالی (به‌عنوان رئیس شورا)، پنج قاضی و یک دادستان عمومی (منتخب قضات)، یک نفر مشاور شورای دولتی، شش نفر از اشخاص برجسته (که عضو قوه مجریه، مقتنه و قضاییه نباشند) است. رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی (با تأیید کمیته مجلس ملی) و رئیس مجلس سنا (با تأیید کمیته قضایی مجلس سنا) هر یک دو نفر از افراد برجسته را منصوب می‌کند. وزیر دادگستری بدون حق رأی می‌تواند در جلسات شورا شرکت کند.



در واقع رویکرد نظام حقوقی فرانسه درخصوص استقلال درون‌سازمانی قوه قضاییه، کاملاً بر عکس رویکرد نظام حقوقی ایران است. مهم‌ترین نقطه ضعف نظام حقوقی ایران درخصوص استقلال درون‌سازمانی آن است که مدیریت امور قضایی در اختیار مقامی سیاسی است. اما در فرانسه شورای عالی قضایی که تصدی این امر مهم را بر عهده دارد، نهادی مستقل محسوب می‌گردد. جهت خروج از این وضعیت لازم است که با تغییر قانون اساسی، به سمت مدیریت غیرسیاسی قوه قضاییه حرکت کنیم. در این مورد، الگوی مدیریت شورایی قوه قضاییه که در حال حاضر در بیش از شصت کشور جهان جهت ارتقای استقلال قضایی وجود دارد، می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد. البته الگوی مدیریت شورایی در صورتی موفق خواهد شد که قضات و افراد غیرحکومتی اکثریت اعضای شورا را تشکیل دهند.

از سوی دیگر، نقطه ضعف دیگر قوه قضاییه ایران در مقایسه با فرانسه، نظارت‌ناپذیری و غیر پاسخگو بودن آن است. این در حالی است که عدم پاسخگویی ارمغانی جز فساد و سوء استفاده از قدرت را پدید نمی‌آورد. اما در فرانسه پاسخگویی قوه قضاییه نیز مورد نظر بوده است. پاسخگویی و نظارت‌پذیری نهاد قضایی فرانسه، از طریق پیش‌بینی بازرس کل خدمات قضایی^۱ ارتقا یافته است. این مقام تحت نظارت وزیر دادگستری رفتار مقامات قضایی را مورد بررسی قرار داده، در این زمینه گزارش تهیه می‌کند [۲۳، ص ۱۲۸].

۴-۲. سازوکارهای تضمین استقلال فردی قضات در حقوق فرانسه

قانونگذار فرانسوی برخلاف قانونگذار ایرانی، استقلال قضایی را نه در استقلال مجموعه دستگاه قضایی از سایر قوای سیاسی، بلکه در فراهم آوردن تضمینات استقلال فردی قضات جستجو می‌کند. با مطالعه تضمینات موجود در حقوق فرانسه و مقایسه آن با نظام

۱. inspectorate-jeneral of the judicial services

حقوقی ایران در می‌یابیم که قانونگذار فرانسوی تضمینات مؤثرتری را برای استقلال فردی قضات پیش‌بینی کرده است.

۴-۲-۱. مصونیت شغلی

حمایت قانونگذار فرانسوی از امنیت شغلی قضات سابقه‌ای دیرین و اصیل دارد که به قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد و به آن قاعده تغییرناپذیری قضات^۱ اطلاق می‌شود. برابر ماده ۴ قانون سازمان‌دهنده مربوط به وضعیت قضات مصوب ۱۹۵۸^۲ و اصل ۶۴ قانون اساسی ۱۹۵۸، «قضات نشستۀ غیرقابل عزل و تغییرند»^۳. در نتیجه مطابق این قانون که به منظور حفظ استقلال قضات تصویب شده است، قضات نشستۀ را نمی‌توان به منصب جدیدی گماشت، حتی در مقام ارتقا، مگر با رضایت آن‌ها. مطابق قاعده تغییرناپذیری، قاضی پس از نصب غیرقابل عزل می‌شود. در واقع، این قاعده بدان معنا است که قضات مصون از عزل، جابه‌جایی و تعلیق دلخواهانه هستند. قضات به صورت مادام‌العمر و تا زمان بازنشستگی (چهل سال اشتغال) در شغل خود باقی می‌مانند و تنها در صورت ارتکاب تخلفات انتظامی مذکور در قانون موصوف بنا به درخواست وزیر دادگستری، توسط شورای عالی قضایی که نهادی مستقل محسوب می‌شود، قابل عزلند [۲۴، ص ۱۳۴]. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۶۴ با اقتباس از حقوق فرانسه قاعده تغییرناپذیری قضات را مورد تأکید قرار داده است. اما همان‌طور که اشاره شد، این قاعده در قانونگذاری‌های بعدی در خصوص تدابیر انتظامی قضات مورد بی‌مهری قرار گرفته است. بی‌گمان وجود دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات، تهدیدی جدی علیه مصونیت شغلی دادرسان محسوب می‌گردد؛ زیرا از یک سو در استقلال و بی‌طرفی سیاسی اعضای این محکمه تردید وجود دارد و از سوی دیگر

۱. l'inamovabilité des magistrats

۲. ordonnance n° ۵۸-۱۲۷۰ du ۲۲ décembre ۱۹۵۸ portant loi organique relative au statut de la magistrature

۳. les magistrats du siège sont inamovibles



مواردی که موجب احراز عدم صلاحیت قاضی می‌گردد، روشن نیست. این در حالی است که در فرانسه از یک سو نهاد مسئول تعقیب انتظامی قضات مستقل است و از سوی دیگر موارد تخلف انتظامی به صورت روشن و شفاف در قانون سازمان‌دهنده مربوط به وضعیت قضات مصوب ۱۹۵۸ مشخص شده است.

درخصوص موضوع ارتقای قضات نیز حقوق فرانسه پیشرو بوده است. در حالی که قانونگذار ایرانی درخصوص نحوه ارتقا و ضوابط آن سکوت اختیار کرده، در فرانسه قانون مذکور، «کمیته ارتقای قضات» را به وجود آورده است. ضوابط ارتقا به صورت شفاف و قابل ارزیابی مشخص شده است. کمیته ارتقا مرکب از بیست قاضی است که توسط همتایان خود انتخاب می‌گردند. کمیته با توجه به عملکرد قاضی و با رضایت وی، درخصوص ارتقا تصمیم می‌گیرد. ملاک عمل کمیته، ارزیابی عملکرد قضایی توسط قضات عالی رتبه است. کمیته امکان استماع حضوری اظهارات قاضی و بررسی پرونده ارتقا را به وی می‌دهد [۲۴، ص ۱۳۹].

در فرانسه، در مورد نقل و انتقال نیز بدون رضایت قاضی نمی‌توان درخصوص محل خدمت وی تصمیمی اتخاذ کرد. اما در ایران همان طور که اشاره شد، رئیس قوه قضاییه می‌تواند به اقتضای مصلحت جامعه، محل خدمت و سمت قاضی را به سادگی تغییر دهد.

۲-۲-۴. مصونیت مدنی قاضی

در فرانسه با لازم‌الاجرا شدن قانونی در سال ۱۹۷۹، مصونیت مدنی قاضی در صورتی محقق می‌شود که وی مرتکب تقصیر شخصی و سنگین (تقصیر عمدی) و نه تقصیر سبک، شده باشد. اما برخلاف حقوق ایران، افراد متضرر نمی‌توانند مستقیماً علیه قاضی اقامه دعوی مسئولیت کنند. در این صورت متضرر باید علیه دولت اقامه دعوی مسئولیت کند. دولت، در صورت محکومیت، خسارات متضرر را جبران می‌کند، اما می‌تواند علیه قاضی مقصر به منظور مطالبه وجوه پرداخت شده اقامه دعوا کند. دعوی

دولت علیه قاضی در این خصوص در صلاحیت انحصاری شعبه مدنی دیوان عالی کشور است [۲۵، ص ۱۶۴]. تا سال ۲۰۱۱ چنین دعوایی از سوی دولت علیه هیچ یک از قضات مطرح نشده است [۲۴، ص ۱۴۴].

مسئولیت دولت در این خصوص مبتنی بر تقصیر قاضی مطابق نظریه نقص در خدمت عمومی قضایی است. مطابق این نظریه، دولت مسئول هرگونه خسارت ناشی از نقص در خدمت قضایی است که شامل غفلت فاحش قاضی یا تکذیب عدالت می‌گردد. غفلت فاحش به معنای عمل یا اعمالی است که قصد دارد نشان دهد خدمت عمومی قضایی صلاحیت انجام مأموریت خود را ندارد. انکار عدالت نیز به معنای آن است که قاضی از پذیرش دعوا امتناع کرده و یا هیچ تلاشی نمی‌کند تا در مدت معقول درخصوص پرونده تصمیم‌گیری کند.

حقوق فرانسه درخصوص مسئولیت مدنی قاضی، تدابیر مناسب‌تری در مقایسه با حقوق ایران اتخاذ کرده است. قانونگذار فرانسوی از یک سو با ممنوعیت اقامه دعوی اصحاب دعوا علیه قاضی، استقلال وی را مورد تضمین قرار داده و از سوی دیگر امکان دریافت خسارت از سوی قضاوت‌شوندگان را به نحو مطمئن‌تر فراهم کرده است؛ زیرا دولت از منابع مالی کافی جهت جبران خسارت قضاوت‌شوندگان برخوردار است.

۳-۲-۴. روش انتخاب قاضی در فرانسه و استقلال قضایی

در فرانسه همانند بسیاری از کشورهای دارای حقوق نوشته، نهاد متصدی انتخاب قضات عالی رتبه، شورای قضایی است که از بین افراد واجد صلاحیت اقدام به انتخاب قاضی می‌کند. رئیس جمهور از فهرست ارائه شده قضات را منصوب می‌کند. سایر قضات نیز از بین فارغ‌التحصیلان مدرسه ملی قضات^۱ انتخاب می‌شوند. در مقایسه با روش انتخاب قاضی در ایران، با توجه به ترکیب مستقل شورای عالی قضایی فرانسه، بی‌طرفی و عدم جانبداری سیاسی به نحو مطمئن‌تر در انتخاب قاضی رعایت می‌گردد [۲۴، ص ۱۴۱].

۱. école nationale de la magistrature



۴-۲-۴. نظارت بر رفتار حرفه‌ای قضات

حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران، محدودیت بسیار وسیع‌تری را بر رفتار حرفه‌ای قضات در نظر گرفته است. مطابق ماده ۸ قانون اصول تشکیلات دادگستری، انجام هرگونه شغل عمومی یا هر نوع کسب و کار و اشتغال برای قضات ممنوع است. در موارد استثنایی، قضات می‌توانند با موافقت وزیر دادگستری و یا رئیس حوزه قضایی فعالیت‌هایی را انجام دهند که شأن و منزلت و استقلال قضات را از بین نبرد. برخلاف قضات ایرانی، قضات فرانسوی دارای سازمان صنفی قضات^۱ هستند که از سال ۱۹۶۸ وظیفه دفاع از منافع مشترک و صیانت از استقلال قضات را بر عهده دارد [۲۴، ص ۴۳]. سازمان صنفی قضات نسبت به تهیه مجموعه کدهای رفتار قضایی که رفتار حرفه‌ای قضایی را قاعده‌مند می‌کند، اقدام کرده است. از جمله اموری که در مجموعه اخلاق حرفه‌ای قضایی مورد تأکید قرار گرفته، انجام یا عدم انجام اموری است که موجب حفظ استقلال و بی‌طرفی قضات می‌گردد. اما نظام حقوقی ایران فاقد چنین مجموعه‌هایی است که قضات براساس آن رفتار قضایی خود را اخلاقی و قاعده‌مند سازند. در نظام حقوقی ایران تأکید بسیاری بر تعقیب انتظامی قضات وجود دارد که البته اقدامی قهرآمیز تلقی می‌گردد.

۴-۲-۵. امنیت مالی قاضی

در نظام حقوقی فرانسه نیز مانند نظام حقوقی ایران، امنیت مالی قاضی مورد تضمین قانونگذار قرار نگرفته است. اما قضات فرانسوی بیش‌ترین حقوق را در بین سایر مستخدمان بخش عمومی دریافت می‌کنند. به‌علاوه از مزایایی همچون پاداش فعالیت تا ۴۷ درصد حقوق برخوردارند.

۱. syndicat de la magistrature

۵. نتیجه‌گیری

بررسی نظام حقوقی ایران درخصوص استقلال قضایی نشان می‌دهد، این موضوع از زمان نهضت مشروطه کم و بیش مورد اشاره و توجه قرار گرفته است؛ لکن به دلیل عدم احاطه کافی به مبانی نظری استقلال قضایی، آشنایی سیاستمداران و حقوقدانان ما به این مفهوم، شناختی عمیق نبوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی نیز موضوع استقلال قضایی مورد عنایت ویژه قانونگذار اساسی قرار گرفت. اما پس از تصویب قانون اساسی، موضوع استقلال قضایی در اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و قانونگذاری عادی به سرنوشت ناخوشایند دوران مشروطه دچار شده است. در مقابل، صیانت قانونگذار اساسی و عادی فرانسه از استقلال قضایی سیر نزولی نداشته است.

از بعد استقلال ساختاری قوه قضاییه، نظام حقوقی ایران تضمینات قوی را پیش‌بینی کرده و راه را بر هرگونه اعمال نفوذ قوه مقننه و مجریه بسته است. اما برداشت ناصحیح از اصل تفکیک قوا، نظارت‌ناپذیری قوه قضاییه و وضعیت متزلزل استقلال درون‌سازمانی از چالش‌های نظام حقوقی ایران است.

در مورد سازوکارهای تضمین استقلال فردی قضات که اهمیت بیش‌تری در ارتقای استقلال قضایی دارند، باید خاطر نشان کرد که در مقایسه با نظام حقوقی فرانسه، به نحو شایسته مورد تضمین قانونگذار ایرانی قرار نگرفته است. رجوع به پیشینه قانونگذاری و بررسی تحولات آن حکایت از آن دارد که استقلال فردی قضات در نظام حقوقی ایران مورد عنایت قرار نگرفته است. اصلاحات قانونی و گنجاندن معیارهای صحیح در مقررات مربوط به مدیریت قوه قضاییه و بهبود سازوکارهای تضمین استقلال فردی، می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود وضعیت استقلال قضایی ایران داشته باشد.

در این زمینه دستاوردهای مثبت کشور فرانسه می‌تواند مورد اقتباس قرار گیرد. فرانسه با ایجاد شورای عالی قضایی که نهاد اصلی متصدی صیانت از استقلال قضایی محسوب می‌شود، قدم بنیادینی را در جهت صیانت از استقلال قضایی برداشته است. تضمینات اصل ۶۴ و ۶۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه از شغل مقام قضایی و همچنین



مسئول دانستن رئیس کشور به صیانت از استقلال قاضی با همکاری شورای عالی قضایی، حکایت از دغدغه قانونگذار فرانسوی درخصوص استقلال قضایی دارد.

۶. منابع

- [۱] لارکینز، کریستوفر، «استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه محمد حسین زارعی، راهبرد، ش، ۲۵، ۱۳۸۱.
- [۲] حبیب زاده، محمدجعفر و دیگران، «استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ش ۷۰، ۱۳۸۹.
- [۳] قربانی، علی، بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- [۴] مجد زاده، غزال، دادرسی عادلانه: مفهوم سازوکار، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
- [۵] Karlan, P., "Two concept of judicial independence", University of Stanford Law Journal, Vol. ۹۴, ۱۹۹۸.
- [۶] Burbank, S., "Introduction, in judicial independence at crossroads", university of Pennsylvania, pennsylvania Law Review, Vol. ۳۸, ۲۰۰۲.
- [۷] Kaufman, J. "The essence of judicial independence", Columbia Law Review, Vol. ۸۰, ۱۹۸۰.
- [۸] Ginsburg, T. "Judicial appointment and judicial independence", papers series for U.S institute for peace . Paper available at <http://ssrn.com>, ۲۰۱۱.
- [۹] Winkly, A., "Independence of judges", University of California, Los Angeles Law school , Public Law and Legal Theory Research Paper

Series, Vol. ۴۶, ۱۹۹۵.

[۱۰] Ginsburg, T. "Judicial appointment and judicial independence", Papers Series for U.S Institute for Peace . Paper available at <http://ssrn.com>, ۲۰۰۹.

[۱۱] Guidance for Promoting Judicial Independence and Impartiality Paper available at <http://ssrn.com>, ۲۰۰۵.

[۱۲] Cross, F., "Thoughts on goldilocks and judicial independence", Ohio State Law Journal, Vol. ۶۴, ۲۰۰۳.

[۱۳] هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۱۴، نشر میزان، ۱۳۸۶.

[۱۴] کاتوزیان، ناصر، مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

[۱۵] مجموعه قوانین سال ۱۳۶۹.

[۱۶] توسلی نائینی، منوچهر، «مصونیت‌های شغلی در حقوق ایران»، نشریه حقوق اساسی، ش ۶ و ۷، ۱۳۸۵.

[۱۷] داور نیا، رحیم، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۴، ۱۳۸۵.

[۱۸] صالحی مازندرانی، محمد، «تأملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی»، مجله فقه و حقوق، ش ۷، ۱۳۸۴.

[۱۹] حسینعلی، حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، تهران، بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

[۲۰] کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری: مسئولیت مدنی، چ ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

[۲۱] جلیوند، یحیی، مسئولیت مدنی قضات و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا و



انگلیس، نشر یلدا، ۱۳۷۳.

[۲۲] تورین، دومینیک، «قوه یا مقام قضایی؟»، ترجمه اسد الله یاور، نشریه حقوق

اساسی، ۱۳۸۳.

[۲۳] Canivet, G. "French concept independence of judiciary." Paper available at <http://ssrn.com>, ۲۰۱۰.

[۲۴] Guidance for Promoting Judicial Independence and Impartiality Paper available at <http://ssrn.com>, ۲۰۰۵.

[۲۵] شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱۷، انتشارات دراک، ۱۳۸۷.